

## همکاری دانشناک ها با نازی ها در جنگ جهانی دوم

محمد پرینچک



ترجمه ی علی قره چه لو

### خلاصه

دانشناک ها نقشی را که در جنگ جهانی اول بعهده گرفته بودند، در جنگ جهانی دوم نیز بازی کردند. منتها اینبار در صفوف آلمان هیتلری. دانشناک ها با تشکیل واحدهای داوطلب برای ارتش های فاشیست آلمان جنایات جدیدی علیه خلق های منطقه مرتکب شده و در طرح های ارتش های آلمان، هم برای اشغال اتحاد شوروی، هم ترکیه، و وظایف معینی بعهده گرفتند.

ایجاد زمینه های ایدئولوژیک همکاری دانشناک ها با نازی ها در سال های 1930 آغاز گردید. در آن دوران رهبران دانشناک کوشش بسیاری کردند تا به آلمان ها ثابت کنند که ارمنی ها نیز آریایی نژادند. اولین سازمان دانشناکی که ایدئولوژی فاشیسم را قبول کرد بوسیله نیژده تحت نام "تسیگاکرون" Tsegakron تاسیس شد. نیژده از فرماندهان واحد های داوطلب ارمنی بود که در جنگ جهانی اول علیه ترک ها جنگیده بود. این سازمان در آن دوران با سازمان حزب نازی بنام Hitlerjugend یکی تلقی می شده است.

درو، رهبر دیگر دانشناک در 15 دسامبر 1942 "کمیته ملی ارمنی" را تاسیس کرد. درو، در اثنای جنگ جهانی اول علیه ترکیه جنگیده، و با قتل عام هایی که علیه خلق های مسلمان منطقه مرتکب شده بود شناخته می شد. هدف کمیته، نمایندگی ارمنی ها در نزد حکومت آلمان بود. دانشناک ها در دوران جنگ در پشت جبهه اتحاد شوروی مشغول فعالیت های جاسوسی و خرابکاری بوده و برای مشروع جلوه دادن اشغال نازی ها فعالیت های تبلیغاتی می کردند. گروه "درومیدار" Dromedar از معروفترین آنها بودند. دانشناک ها با رفتن به اردوگاه های اسیران جنگی بدنبال انتخاب و تربیت جاسوس برای آلمان ها از میان اسیران ارمنی بودند. نازی ها از ارمنی ها بعنوان نیروی جنگی نیز استفاده کرده و لژیون های ارمنی تاسیس کردند. دانشناک ها در انتشارات خود به نژاد پرستی و ستایش از هیتلر نیز میپرداختند. فعالیت دانشناک ها محدود به دشمنی با اتحاد شوروی نبوده بلکه آنها در طرح های آلمان علیه ترکیه نیز انجام وظیفه کردند. در اثنای جنگ در داخل مرزهای ترکیه عده زیادی از دانشناک ها که با نازی ها همکاری می کردند، وجود داشتند.

اتحاد دانشناک ها با نازی ها، نتیجه طبیعی کارآکتر ملی گرایی نژاد پرست، مهاجم و همدستی {با امپریالیسم} است. از طرف دیگر، اطلاعات و اسنادی که در این مقاله ارائه میشود، نمونه دیگری است که نشان میدهد "مسئله ارمنی" در هر دوره ای ابزار دست دولت های امپریالیستی بوده است. رهبران دانشناک مانند "درو" (Dro) و "نیژده" (Nzhdeh) که با نازی ها همکاری کردند، امروز از طرف محافلی که از نسل کشی ارمنی با حرارت دفاع میکنند بعنوان قهرمان تلقی میشوند. همان محافل، انکار نسل کشی ارمنی را نیز به نژاد پرستی متهم میکنند. در اصل آنهایی که نقش اصلی در قتل عام های متقابل 1915 بازی کردند و سپس با نازی ها همکاری کردند به خدمت نژاد پرستی درآمدند. (1)

زمینه های ایدئولوژیک همکاری

فراهم شدن زمینه همکاری دانشناک ها با نازی ها در سالهای 1930 آغاز شد. "آلفرد روزنبرگ"، از ایدئولوگ های اصلی حزب نازی، به دکتر "آرداشس آفایگیان" که بین سال های 1926-1936 رئیس انستیتوی شرق بود ماموریت میدهد تا با تشکیل کمیته ای درباره تاریخ و آنتروپولوژی ارمنی تحقیق کند. 5 ماه بعد از تشکیل کمیته در سال 1934 روزنبرگ گزارشی دایر بر اینکه ارمنی ها آریایی هستند به هیتلر میدهد. (2) در آن دوران رهبران دانشناک "درو" (3) و "نیژده" (4) برای اثبات آریایی بودن ارمنی ها به آلمانها کوشش بسیاری کرده بودند. بهر حال، چه در دوران ظهور ملی گرایی ارمنی، چه در دوران حاکمیت دانشناک ها در ارمنستان، و چه بعد از آن، بر روی موضوع آریایی بودن ارمنی ها توسط ایدئولوگ ها و رهبران ملی گرا های ارمنی کار شده بود. (5)

از آغاز این دوران تا پایان جنگ، ارمنی ها تحت حمایت نازی ها در آلمان، درباره تاریخ کهن ارمنستان، تعلق شان به نژاد آریایی و "قتل عام ارمنی ها در سال 1915" دهها کتاب و جزوه چاپ و منتشر کردند، که: "ارمنی بودن - آریایی بودن"، "زیتون"، "دوستی تاریخی ارمنی ها و آلمان ها"، "آریایی ها به تو می نگرند"، "نقش تاریخی داوطلبان مان" بعضی از آنهاست. (آبرامیان 2006، ص 32، اوسپیان 2007، ص 153)

زمینه های ایدئولوژیک همکاری دانشناک ها با فاشیست ها از طرف ایتالیایی ها هم بزبان آورده شده است. در آگوست 1937 Lauro Mainardi از کارشناسان رژیم موسولینی در امور قفقاز، در ضمن دفاع از همکاری با دانشناک ها، این فکر خود را بر اساس شباهت ایدئولوژی دانشناک ها با ایدئولوژی حزب ملی فاشیست ایتالیا بنا می کند. (Mamoulia 2006، ص 57)

### اولین سازمانیابی فاشیستی و " Tsegakron "

در این روند، انجمن های جوانان ملی گرای ارمنی، و نیز سازمان های فاشیستی جوانان ارمنی طرفدار نازی ها، برای فعالیت در برلین، مونیخ، بوخارست، صوفیا و سایر کشورهای اروپا، تاسیس شدند. بعلاوه، در بلغارستان و رومانی از اعضای سازمان ملی گرای ارمنی Tsegakron گروه های نظامی تشکیل شدند.

این سازمان در سال 1934 بوسیله "نیژده" از فرماندهان واحدهای داوطلب ارمنی که در جنگ جهانی اول بر علیه ترکها جنگیده بود در آمریکا تاسیس و سپس در اروپا گسترش داده شد. به مرور زمان بخش بزرگی از این سازمان به واحد های ویژه اطلاعات نظامی آلمان Abwehr ملحق شدند. در میان آنها نه تنها جوانان بلکه همکاران نظامی قدیمی "نیژده" نیز جای گرفتند. " Tsegakron " در جنگ جهانی دوم تمام ارمنی ها را به همکاری با نازی ها دعوت کرد. بدین دلیل بسیاری از مورخین این سازمان را " Hitlejugend " ارمنی ها ارزیابی کرده اند. (آبرامیان 2006، ص 32-33)

حقیقتن هم این سازمان ایدئولوژی خود را بر اساس نژاد قرار داده و نژاد را تقدیس می کرد. " Tsegakron " به ضرورت خلوص خون نژاد معتقد بوده و در انتشارات خود به مخالفت با ازدواج با نژاد های مختلف برخاسته است. طبق Tsegakronutyum (ایدئولوژی جنبش) وجود خانواده بخاطر تقویت نژاد بوده، فرزندان بیشتر از اینکه متعلق به والدین باشند به نژاد تعلق دارند. هم چنانکه مشاهده می شود، برای آنها نژاد مقدم بر همه چیز بوده و معتقد بودند که دین واقعی ارمنی ها "ارمنیزم" است. (لالایان 2004، ص 28-27) (6)

"جان روی کارلسون" ارمنی (آرتور درونیان)، که شاهد آن دوران بوده و در آمریکا زندگی می کرد، گفته های یکی از طرفداران نازی دانشناک (ادوارد ماسقالاتیان) که در نیویورک او را دیده بود را، در رابطه با چنین " Tsegakron " نقل میکند:

"آدریان در رابطه با معنی کلمه Tsegakron که سازمان جوانان ارمنی است، چنین گفت که از کلمات ارمنی Tseg (نژاد) و kron (دین) تشکیل شده است. آدریان، با غرور ادعا می کرد که فلسفه و برنامه ملی گرایان فاشیست ستایشگر نژاد شبیه سازمان جوانان هیتلر است." (کارلسون، 1943، ص 81-82)

در مورد " Tsegakron " بیانات مشابهی نیز از طرف "دوه چیان" از رهبران مهم دانشناک ها بزبان آورده شده است. "اوانس آکوپوویچ دوه چیان" از ارمنی های ترکیه بعد از مهاجرت به اروپا نیز وظایف مهمی در حزب دانشناک بعهد

گرفت و در همکاری با نازی ها نقش مهمی بازی کرد. دوه چیان بعد از جنگ در بخارست از طرف اطلاعات اتحاد شوروی (Smert Spionam) دستگیر و مورد بازجویی قرار گرفت. در جریان بازجویی از وی در مورد تشکیلات

" Tsegakron " نیز پرسیده میشود، او در پاسخ می گوید:

"اگر بخواهیم معنی کلمه Tsegakron را باز کنیم تقدس نژاد و لزوم محافظت از خلوص آن آشکار میشود، که معادل نازیسم است. بدین ترتیب، نیژده از طریق Tsegakron تبلیغات فاشیسم ارمنی محور را پیش می برد". (7)

وقتی نیژده بعد از جنگ از طرف اتحاد شوروی دستگیر و محاکمه شد، " Tsegakron " بعنوان عنصر جرم در اعلام جرم علیه وی جای گرفت. در اعلام جرم در پرونده بازجویی نیژده با شماره 11278 چنین ذکر شده است: سازمانی است که بر اساس ایدئولوژی Hitlerjugend تاسیس شده ، مبلغ نژاد پرستی و موسس اردوگاهها برای تعلیم نظامی جوانان در آمریکا است. هدف این اردوگاهها در صورت وقوع جنگ و حمله آلمان به آمریکا، اتحاد با ارتش های آلمان و ضربه زدن به آمریکا از داخل و در صورت اشغال ارمنستان و اتحاد شوروی ممانعت از مقاومت نیروهای محلی است. (اوسپیان، 2007، ص، 178)

در چارچوب بازجویی نیژده که بعد از جنگ توسط اتحاد شوروی دستگیر میشود به شهادت "آکوپ آرکیویویچ سیرونی" ( چولوویان)، شرق شناس معروف و متخصص ارمنی نیز مراجعه میشود. سیرونی در بازجویی اش با عنوان "در مورد "گاراکین نیژده و Tsegakron " اعتراف میکند که نیژده را از اوایل سالهای 1920 می شناخته و حتی درباره او کتابهایی نوشته است. او می گوید که نیژده بعد از مهاجرت به آمریکا در روزنامه "آیرنیک" با زبان غرورآمیزی به تعریف و تمجید نژاد پرستی می پرداخته است. در نوشته ها و سخنرانی های نیژده که حاوی سخنان پبچیده خشن و پر زرق و برق بود میشد فهمید که نیژده فقط یک سازمان منحصر امتکی به نژاد تاسیس کرده است و نژاد را بنیان موجودیت ارمنی ها تلقی میکند. سیرونی اشاره میکند که او افکار نیژده را از خواست های خلق ارمنی و واقعیت های آن بسیار دور می دیده است. سیرونی تاکید میکند که ارمنی ها با خطر {نابودی} نژادی روبرو نبوده، بنابراین اتخاذ تدابیری در این خصوص نیز ضرورتی نداشته است. سیرونی می گوید که در آن دوران، بدون ملاحظه هر جا که کلمه " Tsegakron " Tsegakron می آمده بجای نژاد- دین از اصطلاح دین - ناپاک استفاده میکرده است.

سیرونی دقت ها را روی این نقطه جلب میکند که وقتی نیژده در سال 1934 از آمریکا به بلغارستان میرود، ارمنی های آمریکا نیز به دو دسته تقسیم میشوند. در این رابطه سیرونی اشاره میکند که نیژده در این خصوص دو کتاب مینویسد، "ارمنی های آمریکا: نژاد و پس مانده ها"، "توطئه گران شیطانی علیه نژاد". سیرونی به کوشش نیژده در توسعه جنبش " Tsegakron " در اروپا نیز اشاره میکند که منجر به ظهور تعداد زیادی گروههای فاشیست در میان ارمنی های اروپا می شود. آنها بی ارتباط با واقعیت های ارمنی ، افکار فاشیستی از قبیل دشمنی با بیگانه را طوطی وار تکرار میکردند. (8)

نیژده بعد از جنگ، هنگامی که در زندان جمهوری سوسیالیستی شوروی ارمنستان بود گفته بود که فقط طرفداران ترک ها و ارمنی های جاهل بی خبر از تاریخ می توانند علیه " Tsegakron " سخن بگویند. نیژده در میان دلایل تاسیس " Tsegakron " ، به تغییر نظر سیاسی ارمنی های نسل قدیمی در رابطه با ترکیه نیز اشاره می کند. بنظر نیژده، نسل قدیمی آغاز به فاصله گیری از "مسئله ارمنی" کرده، و در حال سازش با فکر صرف نظر کردن از سرزمین های ارمنی داخل ترکیه و نزدیکی با ترک ها هستند. جنبش " Tsegakron " در این معنی وظیفه یادآوری مسئولیت های ارمنی ها در مورد مطالبات سرزمینی از ترک ها را بعهده گرفته است. از این رو، جلد چاپ اول برنامه " Tsegakron " با شعار: "لوزان؟ هرگز" انتشار یافته است. (اوسپیان، 2007، ص، 245-246)

یکی از مهم ترین هدف های " Tsegakron " انتقام گرفتن از ترک ها بود. بجای هر قربانی ارمنی دو انتقام گیرنده ارمنی بدینا خواهد آمد. خلق ترک هیچوقت مورد عفو قرار نخواهد گرفت، از آنها یک انتقام بی امان گرفته خواهد شد، یک تسویه حساب بی امان صورت خواهد گرفت. طبق بنیاد های فکری جنبش " Tsegakron " دشمنی با ترک ها یک دشمنی تاریخی نه بوده، بلکه یک دشمنی بیولوژیک است. در کنار ترک ها، بلشویک ها و ارمنی هایی که با آنها همکاری میکنند نیز در میان دشمنان عمده اند. (لالایان، 2004، ص، 39-32-33)

**هدف "کمیته ملی ارمنی"، ارمنستان تحت الحمایه آلمان**

"در استامات کانایان" (درو) که در اثنای جنگ جهانی اول و بعد آن بر علیه ترکیه جنگیده و با قتل عام هایی که علیه خلق های مسلمان مرتکب شده شهرت یافته بود، در 15 دسامبر 1942 کمیته ملی ارمنی را بنیانگذاری کرد. هدف کمیته، نمایندگی ارمنی های اروپا در نزد حکومت آلمان بود. این کمیته مرکز تبلیغات علیه اتحاد شوروی و طرفداری از آلمان در اثنای جنگ جهانی دوم بود. (آبرامیان، 2006، ص، 333-334) رهبر کمیته همچنانکه اشاره شد دکتر "آرداشس آبیگیان" و معاونت آنرا "آبراهام گول هاندآنیان" بعهدده داشت. بعلاوه، در این کمیته "نیژده" و نماینده سابق مجلس عثمانی از شهر "وان" و از معماران شورش علیه دولت عثمانی در سال 1915 "واهان پاپازیان" (کومس) نیز حضور داشتند. (Walker, 1990, w, 357) مذاکراتی که بین کمیته، "درو" و فرماندهان عالی آلمان انجام شده، مخفی نگه داشته شده است. (آدامیان، 1955، ص، 399، نقل از چلیبیان 2009 Chalabian، ص، 231)

جالب است که در اثنای جنگ اول جهانی، کمیته ائی به همین نام، کمیته ملی ارمنی، برای سر و سامان دادن به مسائل داوطلبان ارمنی در نزد روسیه نیز به فعالیت پرداخته و به کانون فعالیت های ضد ترکیه تبدیل شده بود.

در آرشیو سازمان اطلاعات ارمنی در ایروان ( آرشیو سرویس امنیت ملی جمهوری ارمنستان – ASNBR RA) اعلامیه ای که بتاريخ 15 فوریه 1943 که در برلین بزبان ارمنی توسط کمیته ملی ارمنی نوشته شده وجود دارد. در ماده اول اعلامیه بیان شده است که کمیته ملی ارمنی تحت حمایت "وزارت مناطق اشغال شده شرق آلمان" در 15 دسامبر 1941 تاسیس شده است. در این اعلامیه، کارکرد کمیته ملی ارمنی بعنوان وسیله ارتباط آلمان و ارمنی ها تعریف شده است. البته در چارچوب خلق های اروپا به مسائل اجتماعی نیز خدمت خواهد کرد. ماده دوم و سوم اعلامیه نیز چنین است:

" 2. کمیته ملی ارمنی، از یک طرف رهایی از یوغ حکومت بلشویک ارمنستان و حکمرانی روس، و از طرف دیگر هدف استقلال سیاسی ارمنستان و خلق ارمنی را دنبال میکند. (9)

3. برای موفقیت و تحکیم این هدف و وظایف، کمیته ملی ارمنی مطمئن ترین ضمانت را حمایت سیاسی رایش آلمان میداند. در این راستا کمیته ملی ارمنی با حرکت از این فکر که از قرون وسطی تاکنون رایش قدرتمند آلمان منجی ارمنستان و خلق ارمنی بوده است، معتقد است که خط مشی محافل رهبری ارمنی دوباره از این طریق حاکم شده و مستحکم خواهد گردید. " (10)

ماده ششم در رابطه با مطالبات سرزمینی دانشناک هاست:

"6. کمیته ملی ارمنی، ضروری می داند که نظر دولت حامی را به مطالبات سرزمینی ارمنستان امروزی جلب کند. کمیته ملی ارمنی در راستای حل مسئله در مرزهای جنوبی قفقاز بشکل عادلانه و به نسبت توان خود کوشش خواهد کرد، و در صورت لزوم مجبور خواهد شد تا به عدالت رایش رجوع کند." (آبرامیان، 2006، ص، 263-246)

ماده 9 نیز انعکاس تیپیک ملی گرایی دانشناک هاست:

"9. ارمنستان تحت الحمایه رایش آلمان ضرورت دارد تا در حد توان خود برای تحکیم نفوذ آلمان در شرق نزدیک کوشش نماید. در این رابطه کمیته ملی ارمنی ضروری میداند تا به این موضوع که در گذشته، روسیه و انگلستان سبب رنج، یاس، و تأثر بسیاری در حق مردم ارمنی شده اند، اشاره نماید." (آبرامیان، 2006، ص، 247)

در ماده 12 اعلامیه که آخرین ماده است، اشاره میشود که وظیفه کمیته ملی ارمنی با تاسیس حکومت جدید تحت حمایت آلمان در ارمنستان پایان خواهد یافت. (آبرامیان، 2006، ص، 248)

در فوریه 1944 با دستور روزنبرگ، وزیر مناطق شرق اشغال شده آلمانی ها، ستاد ارمنستان متحد تاسیس شد. این نهاد که "وارطان سرکیسیان" در راس آن قرار داشت، فعالیت کلیه گروههای نظامی و اطلاعاتی ارمنی را در بدنه نیروهای مسلح آلمان Wehrmacht و سازمان اطلاعات ارتش آلمان Abwehr هماهنگ کرده است. (آبرامیان، 2006، ص، 34)

### "درو"، "دوست نزدیک" "بورمان" Borman

در جبهه گیری دانشناک ها در کنار آلمان نازی "درو" نقش عمده را بازی کرد. حتی قبل از جنگ، درو در میان نازی ها دارای اعتبار بالایی بود. او روابط نزدیکی با وزرای سطح بالای آلمان نازی مانند "مارتین بورمان" و "آلفرد روزنبرگ"

داشت. منشی بورمان و خواهر زاده اش نقل میکند که بورمان، درو را بشکل بسیار صمیمانه ای "قهرمان باش آپاران" (نام منطقه ای که ارمنی ها علیه عثمانی ها جنگیده بودند - مترجم) خطاب میکردند است. این لقب درو از درگیری نظامی که در سال 1918 با ترک ها داشته است ناشی می شود. (آبرامیان، 2006، ص، 44)

ابتدا، حزب داشناک با درخواست درو در بخارست گنجره ای برگزار میکند و در این گنجره تصمیم جنگیدن در کنار آلمان ها اتخاذ می شود. برای پیشبرد این امر یک کمیته 5 نفره مرکب از ( واهان پاپازیان، داوید هانیان، یفرم سارکیسیان، سرکیس آراتیان، و درو) تشکیل می شود. بدنبال آن با حکومت های آلمان و ایتالیا آغاز به مذاکره میکند. این کمیته شروع به فعالیت جمع آوری نفرات برای ارتش و سازمان اطلاعات آلمان میکند. بعد از مرگ آراتیان، جای او را هوانس دوه چیان میگیرد. (اوسپیان، 2007، ص، 158-159)

### گروه "درومیدار" Dromedar

بعد از نبرد استالینگراد (11) رهبری Abwehr اقدام به تشکیل یک گروه ویژه ارمنی می کند. گروه درو نیز که به او درجه ژنرال داده شده بود، در این گروه ادغام میشود. این گروه در اوایل آوریل 1943 تشکیل میشود و نام Dromedar 114 - (AG) Abwehrgruppe میگیرد. ابتدا قرار بود این گروه با هواپیما از طریق خط جبهه با چتر در ارمنستان پیاده شود، ولی با در نظر داشتن شرایط نامساعد در جبهه، فرماندهان آلمان و مرکز نظامی ژنرال درو مجبور می شوند تا حدودی آنرا تغییر دهند.

در اواخر آوریل 1943 این گروه وضعیت مستقلی بدست می آورد. "کورو" (نیکلای تار هانیان)، معاون درو رهبر گروه، فرماندهی نظامی به "تیگران باغداساریان" و مسئولیت اطلاعات و خرابکاری (سابوتاژ) بعهده "میساک تور لاکیان" گذاشته می شود. گروه جاسوسی 114 - AG نیز از منسوبین ارمنستان داشناک (1918-1920) تشکیل می شده است.

درومدارها نوع جدیدی از یونیفورم آلمانی پوشیده و سلاح هایشان نیز ساخت آلمان و شوروی بود. از ژنرال تا سرباز عادی هرکسی در گروه مجبور بود تا در بازوی راست یونیفورم نظامی خود عبارت "آرمنیان" Armenien با آرم سه رنگ جمهوری داشناک را داشته باشند. در آغاز، در یونیفورم لژیون داشناک شکل کوه آرات و یا سمبل دولت داشناک ارمنستان هم مورد استفاده قرار می گرفت. در میان رمز های گروه درومیدار اسم رمز "قارص"، Kars-110 هم دیده می شد. اعضای درومیدارهایی که از طرف نیروهای شوروی دستگیر شدند اعتراف کرده اند که درو مدرسه ای نیز برای تربیت جاسوس تاسیس کرده بود. طبق اعترافات آنها همزمان 150 نفر می توانستند آموزش ببینند. درومیدارها در مدارس به گروه های 4-5 نفره تقسیم می شدند. این گروه های کوچک از یک مسئول رادیو- تلگراف، دو نفر راهنما از میان پناهندگان داشناک مورد اعتماد درو، از منسوبین قدیمی ارتش سرخ که منطقه را خوب بشناسد، و یک افسر آلمانی بعنوان فرمانده گروه تشکیل می شد.

در ژوئن 1944 این گروه منحل می شود و بجایش گروه جدیدی بنام Einheit Sturm در بلغراد تشکیل می شود. این گروه نیز در پشت جبهه اتحاد شوروی به فعالیت می پردازد. Abwehrgruppe-106 نیز گروه های جاسوسی تحت رهبری "استپانیان" و "سارکیسیان"، از منسوبین قدیمی ارتش شوروی را، در چارچوب فعالیت خود بکار می گرفته اند. (آبرامیان، 2006، ص، 93-94، 72-73، 67-70، چویف، 2004، ص، 551-552)

### لژیون های ارمنی

علاوه بر فعالیت های جاسوسی و خرابکاری، لژیون های داوطلب ارمنی تحت رهبری درو، نیز تشکیل شده بودند. تشکیل لژیون های ارمنی در لهستان، اوکراین و روسیه در سال 1942 شروع شده بود. از جمله میتوان از این ها نام برد:

- مارس 1942 لژیون ارمنی در شهر "لوبلین" لهستان (1000 نفر)

- ژوئن 1942 در منطقه "رمبرتو" ورشو، {لهستان} لژیون ارمنی (3000 نفر)

- آگوست 1942 هنگ ملی ارمنی در "سیمفروپل" {اوکراین} (1500 نفر)

- اکتبر 1942 هنگ براندنبورگ در روستف نادونو {روسیه} دسته چهارم گردان قفقاز

- ژوئن 1942 در شهر "پالای" لهستان لژیون ارمنی (1000 نفر)

- فوریه 1943 در شهر "جیزدرا" در منطقه "اورلوو" {روسیه} هنگ اول ارمنی (2500 نفر)

فقط در لهستان 9 گردان ارمنی (807-809-812-816) تشکیل شد. این گردانها تحت نظم شدیدی بودند و کوچکترین خطا با مجازات شدید فیزیکی روبرو می شد. (چوریف، 2004، ص، 522-523) از میان این گردانها، گردان 809، که بعد ها با نام "زیتون" شهرت پیدا کرد، علیه نیروهای پارتیزانی شوروی جنگیده و از طرف فرماندهی آلمان مورد تقدیر قرار گرفتند. این گردان علیه پیاده شدن نیروهای آمریکا در "نورماندی" در کنار نیروهای دفاعی آلمان نیز جای گرفتند. در کنار نیروهای جنگی، 22 دسته کمکی ارمنی (لوجیستیک، راه های آهن، نقل و انتقال، ساختمان سازی) نیز تشکیل شد. (چوریف، ص، 523-526)

جمع کل گردان های ارمنی 11 هزار نفر بوده و در واحدهای کمکی نیز 7 هزار ارمنی خدمت میکردند. (مامولیا، 2011، ص، 299)

### مشروعیت دادن به اشغال آلمان ها

یکی از مهم ترین خدماتی که دانشکده ها در اثنای جنگ جهانی دوم به نازی ها کردند، فعالیت های تبلیغاتی در مناطق اشغالی، و پشت جبهه شوروی بود. در رهبری یکی از این گروهها افسر اس اس "نیکلای گیوورکیان" (دکتر سیکورسکی کیورکو) فرزند رهبر معروف دانشکده "ستو جلالیان" قرار داشت. آنها با نفوذ دادن جاسوسان خود در میان جمعیت ارمنی مناطق اشغالی، به فعالیت های ضد اطلاعاتی و در عین حال به پروپگاندای شدید ضد شوروی می پرداختند.

علاوه بر اینها، مراکز محلی کمیته ملی ارمنی را نیز تشکیل می دادند. طبق اظهارات ارمنی های محلی، کمیته ملی ارمنی در هر منطقه مسکونی دارای یک مرکز و ستاد بود. آنها که با کمک های مالی کوشش میکردند تا اشغال آلمان ها را مشروعیت بخشند، به مردم تلقین میکردند که تنها هیتلر است که خیر خواه ارمنی هاست.

### تبلیغ ارمنستان بزرگ در مدارس

برای ارمنی ها مدارس ویژه ای تاسیس شد. در این مدارس به تبلیغ ارمنستان بزرگ که قرار بود تحت حمایت رایش سوم تشکیل شود، پرداخته می شد. (آبرامیان، 2006، ص، 71-72) در نتیجه این فعالیت های دانشکده ها نامه هایی از منطقه بدین مضمون نوشته شده است.

"روس ها ادعا می کردند که آلمان ها جانباغ بیرحمی هستند که همه را تیرباران کرده و اقدانم به نابودی جمعی نموده و خلق های اتحاد شوروی را تبدیل به برده کرده اند. ولی به تو "گایانه" ی عزیز اطمینان میدهم که همه اینها دروغ است. آنها (آلمان ها) با همه و بویژه با ارمنی ها رفتار دوستانه دارند." (آبرامیان 2006، ص، 72)

البته عمر این "موضع دوستانه" بسیار کوتاه مدت بود، چنانکه بعد از آمدن جاسوسان ارمنی وابسته به گشتاپو مردم محل را تروریزه کردند. یکی از موارد تبلیغات کمیته ملی ارمنی همسانی اتحاد شوروی با امپراتوری عثمانی بود. بنظر دانشکده ها "ترک های جوان" همانند بلشویک ها هستند. در میان سربازان ارمنی مدام تبلیغ می شد که کشور را از دست استالین و ترک ها نجات خواهیم داد، و با همکاری با آلمان ها مانند بلغارها، رومانیایی ها، سلوواک ها، و کرووات ها سیاست های مستقل خود را پیش خواهیم برد. (آبرامیان، 2006، ص، 35-74)

### فعالیت های کمیته ارمنی در کریمه

یکی از مناطقی که کمیته ارمنی روی آن تمرکز گذاشته بودند کریمه بود. در تمامی شهرهای بزرگ شعبه ها باز شده بود. فعالیت های کمیته، مورد حمایت حکومت آلمانی کریمه نیز قرار گرفته و برای استفاده اختصاصی خانواده های داوطلبان، آلمان ها و ارمنی ها کافه ها و رستوران ها باز شده و بیمارستان هایی که تنها ارمنی ها می توانستند از آن استفاده کنند تاسیس شده بود. (رومانکو، 2009، ص، 2)

کمیته همچنین برای احتیاجات ارتش های فاشیست آلمان و نیز واحد های داوطلبان ارمنی از مردم محل کمک مالی جمع آوری میکردند. کمیته ملی ارمنی که در رهبری آن دانشناک ها قرار داشتند، نشریاتی با نام "آسات هایستان" (ارمنستان آزاد) و "های آزک" (ملت ارمنستان) منتشر میکرد، و مردهای شبه جزیره را دعوت به جنگیدن در صفوف ارتش های آلمان می کردند. واحد های داوطلب ارمنی که تحت رهبری دانشناک ها متشکل شده بودند به جنگ بی امانی علیه سازمان های پارتیزان اتحاد شوروی دست میزدند.

همکاری ارمنی های کریمه با نازی ها باعث شد که بعد از اینکه بخش مهمی از شبه جزیره کریمه بدست ارتش های اتحاد شوروی افتاد بلافاصله در مه 1944، 9621 نفر از ارمنی های محلی به تبعید فرستاده شوند. (آبرامیان، 2006، ص، 66-67، 156-185) در این روند درو و عده ی زیادی از رهبران دانشناک به سیمفیرپول می آیند. سازمان اطلاعات شوروی گر چه طرحی برای دستگیری درو تهیه کرده بود، ولی موفق به دستگیری او نمی شود. (چلییان، 2009، ص، 245-243)

### تربیت جاسوس برای آلمان ها

یکی دیگر از فعالیت های دانشناک ها استخدام جاسوس از میان اسیران جنگی ارمنی بود. سربازان ارمنی سابق ارتش شوروی که به استخدام دانشناک ها در آمده بودند، برای آموزش به اردوگاه های سازمان اطلاعات نظامی آلمان Abwehr، نیروهای مسلح آلمان Wehrmacht، و پلیس نظامی آلمان SS اعزام می شدند. اسیران ارمنی که در اردوگاه های "پیاتیکورسک" و "موزداک" {روسیه} مانده بودند مدام با دانشناک های ارمنی مواجه می شدند که یونیفورم های آلمانی پوشیده و با زبان سیلیس ارمنی صحبت می کردند. آنها از اسیران می خواستند تا به صفوف ارتش آلمان پیوسته و از بیماری و گرسنگی نجات پیدا کنند. آنچه که دانشناک ها به اسیران ارمنی می گفتند قابل دقت است: "حکومت آلمان علیه بلشویک ها می جنگد و به ارمنی ها این امکان را فراهم می کند که کشورشان را از اشغال کمونیست ها و ترک ها آزاد کنند".

دانشناک ها اسیران جنگی ارمنی را که قبول میکردند به صفوف واحدهای ویژه که برای آلمان می جنگیدند، ملحق شوند را، مورد یک سری آزمایش قرار می دادند تا از این طریق بتوانند یهودیانی را که خود را ارمنی جا میزدند شناسایی و

دستگیر کنند. آنها انجیل ارمنی را به اسیران تسیم شده می دادند تا آنها بخوانند و از این طریق ملیت آنها را تشخیص می دادند. (آبرامیان، 2006، ص، 66) درو از دانشجویان ارمنی که در برلین تحصیل می کردند گروهی ویژه برای بازدید و شناسایی یهودیان اردوگاه های اسیران تشکیل داده بود. (اوسپیان، 2007، ص، 166)

### دانشناک هایی که در خدمت هیتلر بودند

آنهايي که با نازی ها همکاری می کردند فقط به درو و نیزه، و یا آنهایی که در فوق به آنها اشاره شد، محدود نمی شدند. بویژه، بخش بزرگی از رهبران دانشناک به هیرارشی خدمت، در نظام هیتلر در آمده بودند، از جمله:

- **آراداشس آبگیان:** اهل نخجوان، کارمند رسمی "وزارت مناطق شرق اشغال شده" آلمان، در سال 1941 مذاکرات با روزنبرگ را پیش برده، و خدمات دانشناک ها در جنگ علیه اتحاد شوروی را در اختیار آلمان ها قرار داده است. در سال 1942 کمیته ملی ارمنی را رهبری کرده، در عین حال، ویرایشگری روزنامه ارمنی زبان "آیاستان" را که تحت امر "گوبلز" منتشر می شد، بعهده داشت. در اواخر سال 1943 در اردوگاههای اسیران لهستان بر علیه شوروی تدریس کرده است.

- **واچاکان آراداشسوویچ آبگیان:** در سال 1921 همراه پدرش به آلمان پناهنده شد. در وزارت مناطق اشغال شده شرق بعنوان مترجم کار کرد. با گشتن در اردوگاههای اسیران به فعالیت عضو گیری برای حزب دانشناک پرداخته و از میان اسیران جنگی به انتخاب آنهايي که بتوانند برای نهاد های آلمان کار کنند، پرداخته است. او در عین حال در کمیته ملی ارمنی انجام وظیفه کرده است.

- **آکوپ پتروویچ عزیزیان (آزیریان):** در سال 1921 از ارمنستان به فرانسه پناهنده شده است. از عناصر رسمی AG- "Dromedar" 114 بوده و در اوایل جنگ همراه درو در جبهه شوروی - آلمان در بازجویی از اسیران جنگی و تربیت جاسوس و فرستادن جاسوس به پشت جبهه شوروی انجام وظیفه کرد.

- **واگان تاتیووسویچ آراپتیان:** عضو حزب داشناک، جاسوس و مبلغ آلمان. در سال 1942 بعد از اینکه در کریمه به اسارت آلمان ها در آمد، به خدمت نازی ها در میآید. در اردوگاههای اسیران بعنوان پلیس انجام وظیفه کرده است. در مارس 1943 در مدرسه تبلیغات وزارت مناطق اشغال شده شرق در نزدیک برلین هم آموزش دیده و هم درس داده است.

- **گاییک آساتریان:** در سال 1900 در الشکیرت {شمال شرق ترکیه} متولد شد. بعد از فارغ التحصل شدن از مدرسه، به حزب داشناک ملحق و در خاک عثمانی به فعالیت پرداخته است. در روزنامه های بسیاری کار کرده و درباره مسئله ارمنی مقالاتی نوشته است. دوست نزدیک گاراگین نیزده و همراه وی علیه ترک ها جنگیده است. در قیام فوریه 1921 داشناک ها علیه حکومت شوروی ارمنستان شرکت نموده، بعد از سرکوب قیام همراه نیزده به اروپا فرار کرد. همراه داشناک ها با نازی ها ارتباط برقرار کرده و از همان آغاز جنگ با آلمان ها همکاری کرده است. آساتریان، باور داشته است که "سرزمین های اشغالی" بوسیله ترکیه آتاترک را با کمک آلمان ها آزاد خواهد کرد. در اثنای جنگ همراه نیزده به تربیت سیاسی کادرهای واحد های ارمنی مشغول بوده است. آساتریان از ارمنی های ایران بوده و زن اش "سیرانوش" پلیس بلغار و جاسوس گشتاپو بوده است.

- **تیگران باغداساریان (تیگریس):** زمانی افسر ارتش ترکیه بوده، و از استانبول به پاریس مهاجرت کرده است. مامور رسمی اداره اطلاعات آلمان است. در اثنای جنگ، در گروه درو AG-114 دارای مسئولیت های بالایی بوده و در کمیته ملی ارمنی کار کرده است. او مدیر مسئول روزنامه "آیاستان" بود که از طرف وزارت تبلیغات گوبلز و داشناک ها خطاب به ارمنی ها منتشر می شد.

- **سورن پیگزادیان:** عضو حزب داشناک و بنیانگذار انتشارات "پیکار" است. او فرزند سفیر ارمنستان داشناک در باکو است. تحت حمایت روزنبرگ در مناطق اشغال شده اتحاد شوروی، انتشاراتی به نام Osank تاسیس می کند که ابزار تبلیغ در نزد ارمنی ها بود.

- **نیکلای آمباریومویچ گیورکیان:** در ارتش داشناک بعنوان پزشک کار کرد. بعد از سرنگونی حکومت داشناک در ارمنستان به پاریس فرار کرده و در مرکز داشناک ها به یکی از چهره های مهم تبدیل شد. در اثنای جنگ در ارگان اطلاعاتی "درومیدار" AG-114 انجام وظیفه کرد و تحت پوشش جمع آوری کمک به اسیران ارمنی به جمع آوری اطلاعات در پشت جبهه شوروی و بویژه فعالیت های تبلیغاتی مشغول بوده است.

- **الکساندر هاتسیسیان:** نخست وزیر ارمنستان داشناک است. برای تشکیل واحدهای داوطلب در جلسات با نازی ها شرکت کرده است.

- **آرام کونستانتیوویچ میرایمانیان (درویش):** جاسوس AG-114 است، ویرایشگری روزنامه "آیاستان" را بعهد داشته است، با درو فعالیت نزدیک داشته است. در سال 1945 در اردوگاههای اسیران به تبلیغات ضد شوروی پرداخته و از اسیران می خواسته است که به شوروی باز نگردند، آنهایی که این درخواست را قبول میکردند برایشان گذرنامه خارجی تامین میکرد است.

- **آلفرد مرادیان:** در سال 1908 در "آماسیا {ترکیه} متولد شد، عضو حزب داشناک بود و از سال 1921 در برلین زندگی می کرد. جاسوس اداره اطلاعات آلمان "زپلین" شده و در ارتش آلمان تا درجه سرهنگی ارتقاء پیدا کرد. در سال 1937 عضو حزب نازی آلمان شد و از نوامبر سال 1942 نمایندگی کمیته ملی ارمنی در سطوح فرماندهی نیروهای مسلح آلمان را پیش برده است. از آنجایی که بطور مرتب در مدرسه اطلاعات "آشوویتس" درس داده و در تشکیل واحد های داوطلب ارمنی وظایف سطح بالایی داشته است علاقه گوبلز را جلب کرده بود.

- **الکسی سرکیسیان:** پدرش از ارمنی های "کیلیکیا" {ترکیه} بوده، بعلت مهاجرت پدرش به بلغارستان در این کشور متولد شده است. در سال 1938 به عضویت Tsegakron که Hitlejugend ارمنی ها محسوب می شد، در می آید و در سال 1942 عضو حزب داشناک می شود. در سال 1941 زمانی که تبلیغات ضد ترک و ضد شوروی شدت پیدا می کند، به واحد های داوطلب ارمنی می پیوندد. در گردان 809 "زیتون" بعنوان افسر جزء خدمت کرده و در درگیری های شدید که در شمال اودسا {اوکراین} روی داد، شرکت کرد. او دقت آلمان ها را بخود جلب کرده و در سال 1943 با درجه ستوانی به فرماندهی گروه تعیین شد.



- وارطان میخانیلوویچ سرکیسیان: در جنگ جهانی اول در ارتش های روسیه تزاری علیه ترکیه جنگید و در سال 1918 به اسارت ترک ها در آمده بود. وقتی ژنرال "هاربرد" آمریکایی برای تحقیق در مسئله ارمنی به آناتولی می آید، آزاد می شود. در سال 1919 داوطلبانه به ارتش داشناک پیوسته در ارتش شوروی انجام وظیفه می کند. در جنگ جهانی دوم با خواست خود به صف آلمان پیوسته تا درجه ژنرالی ارتقاء مقام می یابد. در پایان جنگ دستگیر و از طرف شوروی تیرباران می شود.

- میساک آکوپوویچ تورلاکیان: در سال 1888 در نزدیکی های "ترابوزان" {ترکیه} بدنیا آمد. در سال های 1920-1919 در ارتش داشناک خدمت کرد و در 19 ژوئن 1921 وزیر کشور سابق آذربایجان "بهبود خان جوانشیر" را در استامبول ترور کرد. در سال 1921 به فرانسه پناهنده شده، و بعدها در رومانی زندگی کرد. در تاسیسات نفتی که صاحب آن درو بود کار کرد و جزو کادر رسمی "درومیدار" AG-114 بود. در سال 1942 همراه درو به کریمه رفته و دفتر حزب داشناک در کریمه را اداره کرد. اسناد سری طرح های ترکیه در رابطه با قفقاز را به روزنبرگ می دهد. در سال 1944 با ارتش های آلمان به بالکان رفته و بعد از جنگ به همراه درو، در منطقه آمریکایی آلمان به فعالیت های ضد شوروی خود ادامه داده است. ( ابرامیان، 2006، ص، 56-46، 179-178، 216-211، 223-219، اوسپیان، 2007، ص، 112: چویف، 2004، ص، 520-521)

### نژاد پرستی در نشریات داشناک ها: "ضرورت پاکسازی یهودیان"

در دوران همکاری با نازی ها، ارگان های نشریاتی آنها تماما تحت تاثیر ایدئولوژی فاشیستی قرار گرفتند. نشریه هفتگی "هایرنیک" در 19-21 اگوست 1936 تا این حد در نوشتن این سطور پیش میرود:

"یهودیان، ملی گرایان فاناتیک و متعصبین نژاد پرستی هستند که در هر جایی هستند برای تامین تداوم نژاد شان خود را شهروندان جهان و انترناسیونالیست معرفی می کنند ... مانند انگلیسی ها که برای اشغال کشورهای دیگر از کشتی های شان استفاده می کنند، یهودیان نیز از انترناسیونالیسم و کمونیسم استفاده می کنند. پاکسازی این عناصر زهراگین، مانند امراض مزمنی که ریشه دوانده اند، گاهی سخت است. زمانی که ضرورت پاکسازی و نابودی آنان فرامیرسد ... اقدام به چنین عملی، انقلابی محسوب می شود. در جریان عملیات جراحی، خون ریزی طبیعی است ... در چنین شرایطی دیکتاتوری ها نقش ناجی را بازی می کنند". (Aya، 2009، ص. 250)

هفته نامه "هایرنیک" در 10 مه 1935 اظهارات معاون شهرداری بخارست "ارمنی ها به ما رومن ها در برده نشدن توسط یهودیان کمک کردند" را چاپ کرد. هایرنیک در شماره 9 اگوست 1935 نیز علت کشتار بسیاری از یهودیان بوسیله یونانی ها و ارمنی ها در شهر سالونیک را حرص و ولع ثروت اندوزی یهودیان نشان داده است. (Weems، 2002، ص. 347)

### ستایش از هیتلر

همکاری داشناک ها با نازی ها حتی قبل از آغاز جنگ نیز خود را بروز داده بود. مورخ ارمنی ل.ل.لالایان در Revolyutsionniy Vostok (شرق انقلابی)، ارگان انتشاراتی موسسه تحقیقات علمی درباره مسئله ملی و مستعمراتی، در شماره ای که در سال 1936 انتشار یافت، تاکتیک داشناک ها را چنین فرموله می کند: "سازماندهی یک جنبش ضد انقلابی علیه اتحاد شوروی، تامین هرگونه کمک به فاشیست های آلمان و میلیتاریست های ژاپن و دیگر امپریالیست ها با هدف تاسیس حاکمیت مجدد ارمنی ها در سرزمین های ارمنی بعد از شکست اتحاد شوروی از راه اعمال سیاست های توسعه طلبانه خود".

لالایان با استناد به "اویسابر" (Uysaber) از ارگان های تبلیغاتی داشناک ها در مصر (26 ژوئن 1936) چنین می نویسد:

"یک ارگان نشریاتی داشناک نیز در سرمقاله خود چنین می نویسد: در درگیریهای بزرگ نظامی بین ملت ها که در آینده رخ خواهد داد، بدون استثنا همه بطور مستقیم، یا غیرمستقیم شرکت خواهند کرد. ما از اولین ملت ها خواهیم بود. بدون تردید، با نزدیکی این توفان، طنین آن در کشور ما نیز شنیده خواهد شد و سرنوشتمان را مستقیم تحت تاثیر قرار خواهد داد ... حوادث تاریخ، سرنوشت ما را به محور اتحاد شوروی که محور بزرگ درگیری آینده خواهد بود متصل کرده است...."

حماقت است که فکر کنیم ملت هایی که در جنگ شرکت می کنند اتحاد شوروی را به حال خود رها خواهند کرد .... برعکس، جنگ بر سر تسلط بر یک ششم خاک کره زمین {اتحاد شوروی} روی خواهد داد".

بعدا با هیجان پیام های مداخله جویانه هیتلر در رابطه با "ثروت های شرق" و مبارزه در مسیر تسلط بر روسیه را تقدیس کرده و بار دیگر به مستعد بودن حزب داشناک برای شرکت موثر در جنگ پیش رو بر علیه شوروی، تاکید می کند.

همچنانکه دیده می شود، ارگان نشریاتی داشناک صریحا و گستاخانه از هیتلر و "ماموریت تاریخی" اش در مورد شوروی دفاع، و بر علیه تصمیم گنگره هفتم کمینترن، یعنی علیه "جبهه واحد بر ضد فاشیسم و جنگ بین المللی" موضع گرفته است.

ایدئولوگ های ضد انقلابی داشناک کاملا خوب می دانند که فاشیسم به معنی جنگ است. از این رو، سمپاتی ویژه ای به روی کار آمدن فاشیسم هیتلری در آلمان نشان داده اند. حزب داشناک با حفظ مناسبات خود با محافل ارتجاعی و ضد شوروی امپریالیسم انگلیس و فرانسه، هر روز در نشریات پست خود با انرژی بیشتری به دفاع از طرح های فاشیست های آلمانی برای تسلط بر شرق می پردازند.

" {...} طبق نظر ژنرال های بدون ارتش داشناک، این است نسخه آینده راه حل قطعی مسئله ارمنی (!) که تا به امروز حل نشده است. ". (لالایان، 2006، ص. 23-26)

در 17 سپتامبر 1936 "هایرنیک" ضمن تجلیل از مبارزه هرکول وار هیتلر در رسیدن به قدرت، تاکید می کند که هیتلر به قلب نژادی آلمان خطاب و نبوغ ملی را به حرکت در آورده است. (Weems، 2002، ص. 347)

از طرف دیگر، وزارت تبلیغات گوبلز تا سال 1944 برای داوطلبان ارمنی هفته نامه "هایستان" را منتشر می کرد. این هفته نامه که به زبان های ارمنی و آلمانی منتشر می شد، تحت اداره شخصی بنام "ویگن شانت" قرار داشت که یک داشناک بود. در وزارت خانه گوبلز ارمنی های بسیاری به عنوان گوینده رادیو به زبان های ارمنی، آلمانی، روسی و فرانسه کار می کردند.. (آبرامیان، 2006، ص. 31-32، Walker، 1990، ص. 357)

در زیر عکس هیتلر در شماره 2 روزنامه آباستان در فوریه 1945 فراخوان درو خطاب به ارمنی ها منتشر شده بود. او خیر از نزدیک بودن پیروزی می داد. آرم ارمنی در بالای صفحه بشکلی شبیه صلیب شکسته نشان داده شده بود.

#### درو برای نازی ها جاسوس تربیت می کند

همکاری داشناک ها با نازی ها بطور طبیعی از طرف شوروی نیز تثبیت شده بود. اسناد زیادی در آرشیو ارمنستان وجود دارند که این موضوع را اثبات می کنند. بویژه آرشیو اداره اطلاعات ارمنی (ک-گ-ب ارمنستان شوروی) در ارمنستان منبع مهمی در این زمینه است. آرشو سرویس امنیت ملی جمهوری ارمنستان (ASBN RA). رکن چهارم سازمان اطلاعات شوروی کمیساریای خلق امنیت دولت (NKGB) که مربوط به عملیات خارجی است، گزارشی درباره فعالیت های ضد شوروی " درو " (17 دسامبر 1942) دارد که از این لحاظ قابل تامل است:

"قبل از حمله آلمان به شوروی، درو سعی کرد که با فاشیست ها ارتباط برقرار کند، در اوایل جنگ، درو به آلمان که بطور جدی مشغول تربیت جاسوس بود، رفت.

درو یکی از کسانی است که در میان پناهندگان در نزد آلمان ها دارای اتوریته بود، چنانکه در مکاتبات رسمی از او با نام " ژنرال درو " نام برده می شده و حفاظت او تامین می شده .....

طبق داده های اسناد 17 آوریل 1942 به سرهنگ سرویس اطلاعات آلمان "وایزر" (Wieser) تلگرافی فرستاده شده است: "ژنرال درو همراه دو نفر دیگر خواهند آمد، یک آپارتمان سه اتاق خوابه مستقل برای شان آماده کنید".

طبق داده های همان اسناد، در 9 سپتامبر به سرهنگ Baun در ورشو تلگرافی با این مضمون فرستاده شده است: "در مارس 1942 درو برای انتخاب و تربیت جاسوس های ارمنی که برای فعالیت در خاک شوروی فرستاده خواهند شد، به سرزمین های اشغالی اتحاد شوروی رفت". (12)

در گزارش شوروی در مورد فعالیت های درو به تلگراف های خود وی نیز استناد شده است. درو بویژه روی تربیت اسیران جنگی ارمنی تاکید می کند. سرهنگ آلمانی "شرتر" Schreter در 19 اگوست 1942 چنین نوشته است: "هفت جاسوس ژنرال درو، در Daks آموزش رادیو - تلگراف می بینند. 3 تن از آنها آماده انتقال هستند، 4 نفر دیگر نیز آخر اگوست آماده خواهند شد". (آبرامیان، 2006، ص.243)

باز طبق همان گزارش، گروه های وابسته به درو که به خاک شوروی فرستاده می شدند، علاوه بر جمع آوری اطلاعات، وظیفه برقراری ارتباط با باندهای مخالف شوروی که در پشت جبهه ارتش سرخ فعالیت می کردند، را نیز داشتند. در گزارش شوروی اسناد آلمانی دیگری نیز جای گرفته است. در 18 ژوئن 1942 مکاتبه ای به این مضمون درج شده است:

"در خصوص حمله دستور آمد. خواهش می کنم بگوئید که آیا لازم است گروه ارمنی کریمه و جاسوس ها، که وظیفه فرود با چتردارند را، با خود ببریم یا نه؟" (آبرامیان، 2006، ص.244)

در 30 ژوئن 1942 از "خارکف" به "پولتوو" {اوکراین} این دستور سرهنگ Hemirin فرستاده شده است: "آیا در "سیمفروپول" ارمنی مانده است یا نه؟ اگر همراه خود می برید، آنها را بلافاصله به "روستف" {روسیه} بفرستید. (آبرامیان، 2006، ص.244-245)

### رقابت برای خود شیرینی نزد آلمان ها

در یک گزارش دیگر که در آرشیو سرویس مخفی ارمنستان نگه داری می شود، به رابطه جامعه ارمنی با حکومت آلمان اشاره می شود. در این گزارش تاکید می شود که بیشتر رهبران داشناک با سازمان های اطلاعاتی آلمان همکاری می کنند و نام های زیر به عنوان نمونه ذکر می شوند:

"در حال حاضر در رهبری پناهندگان ارمنی "الکساندر هاتسیویو" (هاتسیان)، که در برلین زندگی می کند، قرار دارد. (13)

علاوه بر او آنهایی که به برلین آمده اند: سرکیس آراتیان، وزیر مالیه سابق حکومت داشناک ارمنستان، و واگان پاپازیان، عضو دفتر خارجی حزب داشناک، که با نام مستعار "کومس" شناخته می شود.

در ژانویه 1942 داشناک سرشناس و دکتر فلسفه "مالایان" برای سازماندهی کار در میان پناهندگان ارمنی در سوئیس و با ماموریت ویژه ثبت داوطلبان از برلین راهی ژنو شد.

"جاسوس ارمنی ساکن برلین، سروان "پولوی" Pulloy، از آغاز فعالیت های دوستان هم حزبی ارمنی درو در برلین خبر می دهد که خود را با درو مقایسه می کنند. آنها سعی می کنند تا ثابت کنند که فعالیت های آنها بهتر از فعالیت های درو است". (14)

### قاجاق الماس به نام آلمان ها

فعالیت های درو به نام نازی ها به اینها محدود نبوده است. درو همراه با آراتیان برای جلوگیری از خرابکاری در صنایع نفت بلغارستان، بویژه آنهایی که متعلق به انگلیس ها و آمریکایی ها بودند، کردند، هدف این بود که صنایع نفتی یکپارچه باقی مانده تا آلمان ها بتوانند آنها را تصاحب کنند. بعلاوه درو، تجارت غیر قانونی الماس و سنگ های قیمتی در رومانی را تسهیل کرد. این سنگ ها از شرکت ها و افراد مختلف در برلین غصب شده بود. درو بخاطر همه فعالیت های خود، بویژه بدلیل فروش سنگ های قیمتی به قیمت های بالا در تابستان 1940 از طرف نازی ها مورد تقدیر قرار گرفت. "پیتز کامساراکان" که عضو سرویس اطلاعات خارجی آلمان بود، بدنبال دستگیری اش بوسیله ارتش شوروی در بازجویی هایش اظهار می دارد که در واقع حوادث فوق را خود درو تعریف کرده است. کامساراکان اضافه می کند که درو چنین وانمود می کرد که دخالت اش در تجارت غیرقانونی برای نازی ها ناشی از باور ایده آلیستی اش نسبت به نازی بوده و از این تجارت سهمی نداشته است. ولی به نظر کامساراکان، اظهارات درو در این زمینه مشکوک به نظر می رسد.

کامساراکان همچنین اظهار می دارد که رهبران داشناک مانند نیژده و آراتیان به او گفته اند که، درو به نام واحد های خود، در غارت ها شرکت کرده، ولی آنچه را غارت کرده خود به غنیمت برده است. به موازات آن، در بهار سال 1944

درو 100 هزار فرانک سوئیس از رومانی به حساب شخصی خود در بانک سوئیس (Schweizerische Kreditanstalt) انتقال داده است.

### پرونده دادگاه نیژده و صورت جلسه بازجویی

بازجویی از رهبران دانشناک که بعد از جنگ توسط ضد اطلاعات شوروی Simersh، دستگیر و در شوروی محاکمه شدند، از جنبه روشن شدن ابعاد همکاری دانشناک ها با نازی ها اهمیت بسیار دارد. در راس آنها پرونده نیژده قرار دارد که در بلغارستان دستگیر شد. پرونده نیژده که با کد Zubr حاوی اطلاعات و اسناد متفاوتی است تا سال 1990 در 6 جلد (تقریباً 1500 صفحه) در آرشیو SSC-KGB در ارمنستان نگه داری می شده، ولی اکنون معلوم نیست در کجاست. ولی پرونده بازجویی نیژده در آرشیو سرویس امنیت ملی ارمنستان در 4 جلد وجود دارد. (اوسپیان، 2007، ص 28)

مامور اطلاعاتی "واچه اوسپیان"، که مستقیماً در بازجویی نیژده شرکت داشته است، بعضی از اسناد 6 جلدی گمشده را در خاطرات خود منتشر کرده است. اوسپیان در کتاب خود از پرونده بازجویی 4 جلدی هم استفاده کرده است.

نیژده در بازجویی 12 اکتبر 1944 ملاقات خود با مامور اطلاعاتی آلمان Drumm را بازگو کرده است. طبق آن، نیژده از "درام" می پرسد که در جنگ چگونه می تواند به آلمان ها کمک کند، او پیشنهاد می کند که در برلین مدرسه ای برای ارمنی ها تاسیس و فارغ التحصیلان آن مدرسه در راستای وظایفی که آلمان تعیین خواهد کرد، بکار گرفته شوند. در ادامه آن 30 ارمنی از بلغارستان به برلین منتقل و برای فعالیت برای آلمان، به ارمنستان شوروی فرستاده شده اند. (15) (به بخش مربوط به بازجویی نگاه کنید به اوسپیان، 2007، ص. 147 - 146)

در اعلام جرمی که علیه نیژده در مارس 1948 آماده گردید جرم هایی که بدان استناد شده از سال 1918 آغاز می گردد. در دوران فعالیت های مربوط به همکاری با نازی ها، به این موارد اشاره شده است. تاسیس سازمان "تسگاکرون" در آمریکا، ارتباط با "اتو واگنر" با نام کد "دکتر دلیوس" از عناصر مهم سازمان اطلاعات آلمان در بالکان در سال 1941 از طریق جاسوس آلمان S.i.Burev و مأموریت از طرف واگنر برای رفتن به شهرهای بخارست {رومانی}، وارنا، پولودیو، سلین، شومن {بلغارستان} به منظور جمع آوری نفرت برای استفاده علیه شوروی، فرستادن 30 ارمنی به برلین در راستای دستور سرهنگ اطلاعات آلمان "درام" در پاییز 1942 با هدف آموزش در مدارس اطلاعات نظامی آلمان برای فعالیت بعنوان جاسوس و انجام عملیات خرابکاری، و فرستادن آنها از طریق کریمه به ارمنستان شوروی برای سازماندهی قیام در صورت نزدیک شدن ارتش های آلمان. بازگشت به کریمه در اگوست 1943 برای انجام وظایفی که آلمان ها تعیین می کردند و عضویت در کمیته های ارمنی که برای همکاری با آلمان تاسیس شده بودند. ... برای او درخواست 25 سال زندان می شود. (16)

"اووانس دوه چیان"، دوست و همکار نزدیک درو و از رهبران مهم حزب دانشناک که در برقراری ارتباط با نازی ها نقش مهمی داشته در 28 اگوست 1947 در بازجویی های خود می گوید، نیژده اردوگاه های اسیران را گشته و سربازان اسیر ارمنی ارتش شوروی را دعوت به جنگیدن علیه اتحاد شوروی می کرده. نیژده هم چنین تبلیغ می کرده است که: " هر کسی بخاطر آلمان کشته شود، برای ارمنستان کشته شده است". (17)

سند دیگر پرونده، گزارشی است که مامور اطلاعاتی اتحاد شوروی B.Z.Kabulov در اکتبر 1938 نوشته است. در این گزارش به تبلیغات ضد شوروی و نژاد پرستانه نیژده در بلغارستان و سازماندهی گروه های نظامی فاشیستی، و اقدامات پیشگیرانه ای که در این جهت باید اتخاذ گردد، پرداخته شده است. (اوسپیان، 2006، ص. 75-76) گزارش امنیتی دیگری که قبل از دستگیری نیژده آماده شد اشاره دارد که نیژده با حمایت حکومت بلغارستان و گشتاپو، به جمع آوری داوطلبان برای آلمان ها و تاسیس سازمان زنان نیز مبادرت کرده است. (18)

### عکس العمل کمونیست های ارمنی

علاوه بر گزارشاتای که دولت شوروی تهیه کرده است، در نشریات کمونیست های ارمنی نیز به عکس العمل در مقابل همکاری دانشناک ها با نازی ها بر می خوریم، از جمله، در 17 اگوست 1941 در اعلامیه ای با امضای هنرمندان، شاعران، نویسندگان و دانشمندان برجسته ارمنی در روزنامه "پراودا" خطاب به دیاسپورای ارمنی چنین آمده است:

" و حالا در این روزهای تلخ، سردمداران خود فروخته‌اشناک‌ها به خدمت جاسوسی برای فاشیسم آلمان در آمدند. آنها بدون شرم چکمه‌های خونین هیتلر را لیسیده و برای هر نوع خیانتی آماده‌اند." (Sovyetskaya Armenya v Godi Velikoy Otecestvennoy Voyni (1941 – 1945) 1975, s.710)

در بخش ارمنی حزب کمونیست فرانسه که روزنامه "آزادی" Azatuyun به زبان ارمنی منتشر می‌شد، مقاله‌ای با عنوان "هدف مان" منتشر شده (شماره 1 اگوست 1944) سطور زیر قابل دقت است:

"اندوه ارمنی‌های خائن فراری که با توافق با برلین با حرص شیطانی خود در رویای بازگشت به کشور و از سرگیری جنایت و غارتگری خویشند، قابل درک است. این یک مشت خائن با اعمال تاریک خود آبروی حزب خود را نیز برده‌اند. حتی در روزهای پیروزی‌های مهم آلمان نیز بخش مهمی از رهبری و اعضای ساده حزب به فعالیت‌های خائنانه‌ی باند کومس - درو - نیزده - جمالیان، پشت کردند." (Sovyetskaya Armenya v Godi Velikoy Otecestvennoy Voyni (1941 – 1945) 1975, s.723)

یاد آوری می‌کنیم که تقریباً همه آنهایی که نامشان در مقاله ذکر شده از فرماندهان واحد‌های داوطلبی بودند که در اثنای جنگ جهانی اول علیه دولت عثمانی جنگیده بودند.

ارمنی‌های عضو حزب کمونیست فرانسه تنها به کارهای نشریاتی اکتفا نکرده بلکه برای فلج کردن واحد‌های داوطلب ارمنی که برای نازی‌ها می‌جنگیدند نیز عملاً مبارزه نمودند. (دارامیان، 1966، ص. 55 - 45). تحقیقات علمی که در ارمنستان انجام گرفته شامل نمونه‌هایی در این زمینه است. س. آ. وارتانیان در سال 1954 در شهر ایروان، در دفاع از تز دکترای خود با عنوان "پیروزی حکومت شوروی در ارمنستان" (1917-1920) چنین می‌نویسد:

"حزب داشناک علیه کشورمان لانه خائن و جاسوس شده است و همچنان هم مانده است. در دوران جنگ بزرگ میهنی (19) داشناک‌ها در اردوگاه فاشیسم آلمان جای گرفتند. (وارتانیان، 1954، ص. 55)

در این خصوص، یکی از کارهای جامع، کتاب "مارتروسیان" می‌باشد که در سال 1987 در ایروان بزبان ارمنی با عنوان "فعالیت‌های ضد خلقی حزب داشناک در اثنای جنگ جهانی دوم" چاپ شده است. (مارتروسیان، 1987)

علاوه بر کمونیست‌ها، از دیاسپورای ارمنی نیز به همکاری داشناک‌ها با نازی‌ها عکس‌العمل نشان داده شده است. برای نمونه، یکی از نام‌های شناخته شده دیاسپورای ارمنی، ادبیات‌شناس "آندرانیک ساروکیان" است که بعد از بازدید از ارمنستان شوروی اظهار داشته است که نام درو در ارمنستان نام خوش‌آیندی نیست و همکاری درو با ارتش هیتلر فراموش نشده است. بنظر ساروکیان درو دارای دو لکه پاک‌نشده است. اولی، سازماندهی واحد‌های داوطلب برای نازی‌ها، دومی، بوجود آوردن شبکه‌های جاسوسی برای آمریکا در سوریه و لبنان در سالهای بعد از جنگ جهانی دوم. بدین سبب ارمنی‌های بسیاری به زندان افتادند، شکنجه دیدند و مجبور به ترک کشوری که در آنجا زندگی می‌کردند، شدند. (20) (چلیبیان، 2009، ص. 270-271)

#### دشمنی با ترکیه در راستای سیاست‌های هیتلر

نازی‌ها واحد‌های داوطلب ارمنی را نه فقط برای استفاده بر علیه اتحاد شوروی سوسیالیستی، بلکه علیه ترکیه نیز طرح ریزی کردند. روزنبرگ، وزیر مناطق شرق اشغال شده آلمان، هر قدر هم که در طرح "بارباروس" از اشغال قفقاز سخنی به میان نیاورده باشد، در همان دوره این سطور را نوشته است: "... هدف سیاسی آلمان: "حاکمیت سیاسی - نظامی بر قفقاز و همسایه‌های مرزهای جنوبی قفقاز" است. (آبرامیان، 2006، ص. 43)

چارچوبی که روزنبرگ تعیین می‌کرد شامل ترکیه نیز می‌شد. حکومت آلمان از نفرت ارمنی‌ها علیه ترکیه با خبر بود، به پیشنهاد و مسائل آنها اهمیت ویژه‌ای داده و بطور صریح به آنها گفته بود که: "بمنظور طرح‌های عملیاتی مشترک، در مورد امکانات خود به ما گزارش دهید، سپس مطالبات خود را مطرح کنید." (آبرامیان، 2006، ص. 45)

طبق نظر آبرامیان، نویسنده و محقق، مسئله ارمنی همیشه ابزاری برای تحقق سیاست‌های خارجی خود آلمان بوده است. سیاست ویژه رایش سوم در رابطه با پناهندگان ارمنی نیز مسلماً یک تصادف نبوده است. آلمان بدین وسیله با یک تیر دو

نشان می زد. پناهندگان ارمنی می توانستند هم علیه شوروی و هم علیه ترکیه مورد استفاده قرار گیرند. آبرامیان بعد از این تثبیت چنین ادامه می دهد:

"آلمان ها نفرت ارمنی از ترک ها را می دانستند و به لژیونرهای ارمنی، طرفداران Abwehr و SS مدام چنین می گفتند: "وظیفه اصلی شما، آزاد کردن سرزمین های مقدس تان از بلشویک ها و ترک هاست. این برای شما افتخار بزرگی است". به غیر از شعار بیرون کردن بلشویک ها از ارمنستان، تبلیغات اصلی در مورد سربازان ارمنی، آغاز جنگی با دولت ترکیه بود که مدت های طولانی در انتظار آن بودند، جنگی که قرار بود آزادی را به ارمنان آورده و انتقام سال 1915 را بگیرد. بسیاری از سربازان ارمنی به این تبلیغات باور کرده بودند. در اواخر جنگ لژیونرهای ارمنی که در آلبانی و جا های دیگر بالکان علیه پارتیزان های مسلمان می جنگیدند، آنها را مانند ترک ها مسئول بلاهایی دانستند که بر سرشان آمده بود. به یک کلام آلمان ها هر چه خواستند بدست آوردند، ولی لژیونرها بدنبال سراب تبدیل به عروسک های جنگی شدند". (آبرامیان، 2006، ص. 41)

### طرح گرتروید

طبق گزارش کمیسیون های اطلاعاتی و تحقیقاتی که در آرشیوها انجام شده، برلین به نمایندگان ارمنستان و گرجستان گفته است که آنها بعد از اعلام جمهوری های شان باید برای یک جنگ مقدس ظفرنمون علیه ترک ها، که آنها را از زمان های قدیم مورد ستم قرار داده است، آماده شوند. ارتش های آنها را از اروپا واحدهای نظامی یونان، Wehrmacht و SS، بعلاوه ارتش های بلغارستان و ایتالیا حمایت خواهند کرد. در آن صورت ارمنستان و گرجستان برای حمله به ترکیه 100 هزار سرباز در اختیار آلمان قرار خواهند داد. قرار بود ارمنستان صاحب تمامی شرق آناتولی و بخش بزرگی از کلیکیای تاریخی، گرجستان نیز صاحب بخش کوچکی از پادشاهی تاریخی ترابوزان گشته، بلغارستان، ایتالیا و یونان نیز از میر و اطراف آنرا بین خود تقسیم کنند. برای این هدف طرح ویژه ای نیز آماده شده بود. در مورد طرح حمله به ترکیه در تابستان 1942 مقدمات حاضر و نام طرح با نام کد "گرتروید" (Gertrud) نامیده شده است. ولی نام طرح چندین بار تغییر پیدا می کند. علی رغم اینکه سال 1943 سال بدی برای آلمان بود، برای جامه عمل پوشاندن طرح بعضی گام ها برداشته شد. هدف، ضربه زدن به ارتش سرخ از پشت جبهه اتحاد شوروی و از طریق خط مرزی ترک - شوروی بود. ولی این طرح با آغاز حملات ارتش سرخ و پیاده شدن متفقین در سیسیل به تعویق افتاد. (آبرامیان، 2006، ص. 324، 50-49)

### طرح ارمنستان بزرگ با نازی ها

آلمان در اوایل جنگ کوشش کرد تا از طریق پان ترکیسم، از ترکیه بر علیه شوروی استفاده کند. ولی سیاست های آنها علیه آنکارا در سال 1942 از ریشه تغییر کرد و آلفرد روزنبرگ و حکومت رایش سوم هم علیه ترکیه و هم علیه اتحاد شوروی به پروژه "اتحاد قفقاز" روی آورد. در این راستا، دانشکده ها با کمال میل بزرگترین کمک آلمان ها بودند. "اتحاد قفقاز" ضد ترکیه در اواسط 1943 با ابتکار گاراگین نیزده تاسیس شد.

اسناد وزارت مناطق شرق اشغال شده نازی ها، حکومت آلمان و روزنبرگ نشان می دهد که آنها به این ارزیابی رسیده بودند که در صورت اتحاد ترکیه و آذربایجان پان ترکیسم دیر یا زود به تهدیدی برای آلمان تبدیل خواهد شد. فکر "ارمنستان بزرگ" و تحقق آن می توانست مانع تحقق "توران بزرگ" شده و باعث ایجاد توازن بر علیه تمایلات ترک ها در قفقاز شود. ارمنستان از نظر نازی ها بهترین خنجر بود که می توانست بین ترکیه و آذربایجان فرو رود. روزنبرگ، روی طرح جداگانه انی مبنی بر ایجاد منطقه حایل تحت حمایت آلمان به نام "کمیساریای کل ارمنستان" نیز کار کرده بود. (آبرامیان، 2006، ص. 51، چلبیان، 2009، ص. 240) از طرف دیگر جاسوسان آلمان که تهران و تبریز را به پایگاه خود تبدیل کرده بودند، با دادن وعده ارمنستان بزرگ حتی ارمنی های ایران را نیز در جهت منافع خود تحریک می کردند. بعلاوه، تروریست های ارمنی به واحد های ترک نیز آتش گشوده بودند. (Brock، 1949، ص. 151)

علاوه بر آن، در تابستان 1942 در چارچوب طرح های اداره اطلاعات آلمان، به گروه نیزده وظیفه فعالیت در تراکیا {بخش اروپایی ترکیه} نیز داده شده بود. ولی با ضد حمله های اتحاد شوروی آنها از این طرح منصرف شده و گروه نیزده نیز برای آماده شدن به عملیات در جبهه شرق به آلمان برگردانده شده بود. (آبرامیان، 2006، ص. 151) نیزده در بازجویی های

خود در اتحاد شوروی بدفعات تاکید کرده است که اساس همکاری با نازی ها ضدیت با ترکیه بوده است. حتی در نامه ای که از زندان به استالین به تاریخ 16 - 10 دسامبر 1947 (21) می نویسد، روی این نکته تاکید کرده است. (22)

نیژده اقرار می کند در ملاقات هایی که با نازی ها داشته نیز، مدام بر علیه ترکیه صحبت می کرده است. نیژده در ملاقاتی

با مقام امنیتی آلمان Drumm اظهار داشته است که ارمنی هایی که در جبهه شوروی مورد استفاده قرار می گیرند بعدا به عنوان حلقه اساسی برای تحریک قیام ارمنی ها در جنگ علیه ترکیه مورد استفاده قرار گرفته و به ترکیه فرستاده شوند. نیژده پیشنهاد کرده است که گروه او می تواند در تراکیا مفید تر باشد، و بدنبال آن گروه نیژده تحت امر دکتر Engelhaupt داده می شود. این گروه در مرز بین ترکیه - بلغارستان نیز فعالیتی انجام داده و در آستانه حمله آلمان ها، رفتن به منطقه تراکیا را تدارک دیده بودند. (23) از طرف دیگر، با رفتن به اردوگاه های اسیران، از میان اسیران ارمنی برای جنگ با ترک ها سرباز گیری کرده بودند. (24)

قابل توجه است که تقریبا تمامی ارمنی هایی که نیژده بعد از تماس با سرویس های اطلاعاتی آلمان با خود به آلمان برده است، شهروند ترکیه بوده اند. (اوسپیان، 2009، ص. 154) در واقع نیژده خود تاکید کرده است که اساس همکاری او با آلمان ها ضدیت او با ترکیه بوده، لذا جوانان اهل ترکیه که ترکیه را خوب می شناسند را انتخاب و در چارچوب ارتش آلمان به تشکیل واحدهای ارمنی دست زده است. (25)

### عناصر شاخه Abwehr در ترکیه

در این روند، دانشناک های ترکیه نیز برای سرویس اطلاعات نظامی ارتش آلمان Abweher فعالیت کرده اند. جاسوسان Abwehr برای اتصال برلین و بالکان به استامبول، و از طریق استامبول به دنیای عرب، شبکه موثری از "قاصدان" تاسیس کردند. مهم ترین شبکه های ارتباطی بوسیله دانشناک ها بوجود آمده بود. ژوزف و لوسی آیوازیان، صاحبان یک هتل تابستانی در جنوب شرق ترکیه، نام های کلیدی این شبکه بودند. ژوزف یک یتیم بود که در خانواده Koch بعنوان برادر ناتنی "پاولا کوخ" که جاسوس Abwehr بود بزرگ شده بود. (26) از اینرو سرسپردگی اش به جاسوس آلمانی کامل بود. این هتل یک مکان ایده آل برای ملاقات ها و کارهای پستی برای Abwehr بود. پول هنگفتی که سالی دو بار از برلین می رسید، توسط این حلقه در دنیای عرب پخش می شد. لوسی آیوازیان، بطور عمده بین سوریه و استامبول در رفت و آمد بود و اطلاعاتی که از طرف جاسوسان عرب می رسید را به مقصد می رساند. تعداد بی شماری از اعضای دانشناک تقریبا در 6 کشور، برای این شبکه Abwehr در خاورمیانه کار می کردند. (روبین، 2007، ص. 232، 74)

Abweher در سالهای 1942 و 1943 توجه خود را از خاورمیانه به جبهه شوروی معطوف کرده بود. دانشناک ها در نفوذ دادن جاسوسان Abwehr از ترکیه به شوروی نیز انجام وظیفه کرده بودند.

هدف تحرکات دانشناک ها در مناطق مرزی، به غیر از جمع آوری اطلاعات، تشکیل گروه هایی برای ایجاد اغتشاشات و در هم شکستن روحیه مقاومت مردم بود. (باتورین، 2005، ص. 428)

نیژده، در تربیت جاسوسان از ترکیه برای آلمان، نیز نقش بازی کرد. موقعی که او در بلغارستان بود، در ملاقاتی که با "دلیوس" Delius مسئول سرویس اطلاعات آلمان در بالکان داشته این مسئله نیز مطرح شده است. دلیوس از نزدیک ترکیه را در نظر داشته و از آنجایی که تعداد زیادی ارمنی در استامبول زندگی می کردند از نیژده کمک خواسته بود تا از میان آنها افرادی را برای فعالیت به نفع آلمان پیدا کند. به دنبال این درخواست، نیژده "آدرینه دادریان" را معرفی کرده بود. بعد ها آدریان درباره ارتش ترکیه، وضع اقتصادی کشور، وضعیت روحی مردم اطلاعاتی برای آلمان ها جمع آوری کرده است. آلمان ها نیز برای رفتن او پیش برادرش در وین به او کمک کردند. (27)

### نازی ها می خواستند قره باغ را به ارمنی بدهند

آلمان نازی در مقابل این همه خدمت دانشناک ها قول دادند قره باغ، نخجوان، و بخشی از "آخال کلاکی" را به دانشناک ها بدهند. در ضمن، در اثنای جنگ برای شوراندن مردم محلی بر علیه حکومت شوروی، از میان دانشناک ها کماندو های ویژه و گروه های نظامی غیر ارتشی را به منطقه قره باغ گسیل داشتند. (آبرامیان، 2006، ص. 136، 52، 45)

## نتیجه: سرانجام ملی‌گرایی دانشناک

نقل داده‌ها و اسناد در این نوشته، از منظر دیدن سرانجام ملی‌گرایی ارمنی مهم است. ملی‌گرایی ارمنی به موازات طرح‌های دولت‌های غرب و روسیه تزاری بویژه در قرن 19 برای استفاده از ارمنی‌ها علیه ترکیه متولد شده و رشد کرده است. اسناد آرشیو و انتشارات ارمنی مربوط به آن دوران، ریشه‌های همدستی {با امپریالیسم}، متعصب، و ماهیت تهاجمی ملی‌گرایی ارمنی را بشکل صریحی آشکار می‌کند. از این رو، خدمت به آلمان هیتلری نتیجه طبیعی خط مشی دانشناک است.

از طرف دیگر، این داده‌ها و اسناد نمونه دیگری است که نشان می‌دهد "مسئله ارمنی" در هر دورانی ابزار دست سیاست‌های توسعه‌طلبانه و تهاجمی دولت‌های امپریالیستی بوده است. مسئله ارمنی ابزاری در دست انگلستان، روسیه تزاری، فرانسه بوده و در سیر طبیعی خود به دست آلمان نازی هم افتاده است. و نهایتاً، این پرچم را آمریکا بدست گرفته است. از این منظر، به خدمت "سیا" در آمدن "درو" بعد از جنگ نیز مسئله‌ای تصادفی نیست.

رهبران دانشناک مانند نیزده و درو که با نازی‌ها همکاری کردند، از طرف محافظی که امروز از ادعای نسل‌کشی ارمنی با حرارت دفاع می‌کنند، بعنوان قهرمان ملی تلقی می‌شوند. مجسمه‌های آنان در غرب و ارمنستان برپا می‌شود، بنام آنها مدال‌ها داده می‌شود و انستیتوهای دولتی تاسیس می‌شود. و بعد از فروپاشی شوروی، از آنها اعاده حیثیت می‌شود. امروز هم به نام آنان مراسم بسیاری برگزار شده و مجسمه‌های یادبود برپا می‌شود. جالب است که همان محافظ، انکار نسل‌کشی ارمنی را نیز به نژادپرستی متهم می‌کنند. در پارلمان‌های غرب قوانینی تصویب کرده‌اند که بیانات انکارکننده نسل‌کشی، در چارچوب مبارزه علیه نژادپرستی، جرم تلقی می‌شود.

در واقع، آنهایی که در قتل عام‌های متقابل 1915 نقش اصلی را بازی کرده و سپس به خدمت آلمان نازی درآمدند، در چارچوب این قوانین و بر خلاف اهداف آن مورد حمایت قرار می‌گیرند. رهبران دانشناک با نقشی که در جنگ جهانی اول بازی کردند و جرقه قتل عام‌های متقابل را زدند، آلت دست فاشیسم آلمان شدند. اساس مسئله این است که، این سنت همدستی با امپریالیسم و شوونیسم، تحت امر نژادپرستی نیز درآمده است. آنها همراه آلمان‌ها، بویژه علیه شوروی و ترکیه در جبهه و پشت جبهه فعالیت کردند. آنها تمامی روش‌های جنگ روانی نازی را بکار برده و دست به تبلیغات وسیعی زدند. نیزده‌ها و درو‌ها در اثنای جنگ دوم جهانی به ارمنی‌های اتحاد شوروی نیز از پشت‌ضربه زدند.

این همکاری تنها به زمینه‌های سیاسی محدود نشده، در زمینه ایدئولوژیک نیز تحقق یافته است. دانشناک‌ها سعی کردند تا نازیسم و فاشیسم را بر پایه ارمنی بودن استوار کنند. نه تنها دشمنی با دولت ترکیه، بلکه دشمنی با ترک نیز طبق گفته‌های خودشان ستون فقرات ایدئولوژی آنها را تشکیل داده است. روشن است که چنین افکاری نفرت‌زادی را دامن زده است. ریشه‌های ترور "آسالا" در روند بعدی را می‌توان در همین اینجا جستجو کرد.

غیر از منابع و اسنادی که در فوق بدان استناد کردیم، منابع و اسناد بسیاری در آرشیو دولت ارمنستان وجود دارند. بخشی از این اسناد از بین برده شده‌اند که در منابعی که در بالا از آنها استفاده کردیم بدان اشاره شده است. بدون تردید فاش شدن این آرشیو‌ها و اسناد از لحاظ رسیدن به جزئیات و عمق همکاری دانشناک‌ها با نازی‌ها نقش بسیار مهمی بازی خواهد کرد.

## پانویس‌ها

- (1) از "ماکسیم گوئین" (Maxime Gauine) بخاطر کمک در تهیه این مقاله تشکر می‌کنم.
- (2) "ادوارد آبرامیان" از ارمنی‌های ارمنستان است، بدنبال تحقیقات در آرشیو‌های ارمنی، روسی، و آلمانی، کتابی بنام "قفقازی‌های Abwehr" نوشت که حاوی اطلاعات مهمی در مورد روابط دانشناک‌ها با نازی‌هاست.
- (3) از رهبران مهم دانشناک "درو" (Kanayan Drastamat) (1883-1956) در ایروان تحصیل کرده، در سال 1908 به "دوغو بابزید" {ترکیه} رفته و انتقال اسلحه به عثمانی را هدایت کرده است. در جنگ جهانی اول "واحد‌های داوطلب ارمنی-2" را فرماندهی کرده، و در جبهه قفقاز علیه ترکیه جنگیده است. اواخر سال 1917 به کمیساریایی لشکر ارمنی منصوب شده و در سال 1920 وزیر دفاع ارمنستان دانشناک شده است. در اواخر نوامبر 1920 با تاسیس حکومت شوروی ارمنستان، وارد کمیته انقلابی شده،



ولی بلافاصله اخراج شده است. در فوریه 1921 مبارزه علیه حکومت شوروی را آغاز و بخارج کشور پناهنده شده است. در جنگ جهانی دوم در همکاری با نازی ها نقش اصلی را بازی کرده و سپس به آمریکا رفته و در آنجا مرده است. نگاه کنید به، "Dro" ، 1991، ص. 168

(4) از رهبران دانشناک "نیژده" (Nzhdeh) (Ter – Arutyunyan Garagin) (1886-1955) در نخجوان متولد شده، در سال 1907 مدرسه افسری صوفیا {بلغارستان} را تمام کرده است. در سال 1909 از طرف رژیم تزاری دستگیر شده است. در سال 1911 به بلغارستان رفته و در جنگ های بالکان همراه "آندرانیک" به سازماندهی واحد های داوطلب ارمنی علیه ارتش های ترکیه دست زده و در ارتش بلغارستان علیه ترکیه جنگیده است. در جنگ جهانی اول در جبهه قفقاز از فرماندهان واحد های داوطلب ارمنی بوده است. در ارمنستان دانشناک وظایف نظامی بعهدده داشته و بعد از اعلام حکومت شوروی ارمنستان بر علیه رژیم جدید مبارزه کرده است. ابتدا به ایران و سپس به بلغارستان رفته و بعد از مدتی در آمریکا زندگی کرده است. در جنگ جهانی دوم بنام نازی ها فعالیت کرده و بعد از جنگ در بلغارستان از طرف اطلاعات شوروی دستگیر و به مسکو برده شده است. بعد از محاکمه به 25 سال زندان محکوم شده و در زندان مرده است. نگاه کنید به، "سارداریان"، 1991، ص. 246

(5) برای نمونه نگاه کنید به نوشته هیئت ارمنستان دانشناک در پاریس در تاریخ 9 فوریه 1922

Archives Du Ministère Des Affaires Étrangères, La Courneuve, Microfilm P 16676; Perinçek, 2014, s. 180–181; Perinçek, 2011, s. 349, 355; Gorgas, 2007, ss. 226-228.

(6) این سازمان بنام "جوانان هیتلر" نامیده می شد. بعنوان شاخه جوانان حزب نازی تاسیس شد و بعدا به یک نهاد دولتی تبدیل شد. حکومت نازی آلمان در مارس 1939 با تصویب قانونی، پیوستن همه جوانان آلمان به این سازمان را مانند خدمت نظام وظیفه اجباری کرد. نگاه کنید به "شایرر" (Shirer) ، -194 T.Y Cornell Law library Donovan Nuremburg Trials Collection ، 400-407, s, 1970

(7) نگاه کنید به بخش مربوطه متن بازجویی در تاریخ 28 اگوست 1947 ، اوسیبیان، 2007، ص. 23

(8) نگاه کنید به متن کامل اعترافات "سیرونی"، اوسیبیان، 2007، ص. 185 - 179

(9) کمیته ای بوده با نام مشابهی بنام "دفتر ملی ارمنی" در جنگ جهانی اول که کوشش می کرد تا داوطلبان ارمنی را در نزد حکومت روسیه تزاری نمایندگی کند. این دفتر به مرکز فعالیت های ضد ترکیه تبدیل شد. نگاه کنید به، Melikyan, T.Y s.243

(10) برای دیدن متن کامل اعلامیه نگاه کنید به،

10 Bildirinin tamamı için bkz. ASNB RA 1966 dosya 23342 Cilt 1 yaprak 36-39'dan aktaran: Abramyan, 2006, ss. 245-248.

(11) نبرد استالینگراد که بعنوان نقطه عطف جنگ جهانی دوم محسوب می شود با پیروزی ارتش سرخ پایان می یابد. این جنگ بین 17 ژوئن 1942 ، تا 2 فوریه 1943 اتفاق افتاد. نگاه کنید به Glantz , 2000, s 1453-1455

(12) کپی گزارش در آرشیو RSNB RA 1966 ، جلد 1 پرونده 23342، برگ های شماره 42 – 40 ثبت شده است. سند مطابق اصل است. در 10 ژوئن 1966 بوسیله مدیر دایره هشتم از رکن دوم KGB جمهوری سوسیالیستی ارمنستان تصدیق شده است. نگاه کنید به آبرامیان، 2006، ص. 243 – 242

(13) نخست وزیر سابق ارمنستان است.

(14) برای دیدن گزارش کامل نگاه کنید به، ANSB RA 1966 ، جلد 1، پرونده 23342 ، برگ های 40 - 38 ، نقل از آبرامیان ، 2006، ص. 252-248

(15) نگاه کنید به بخش مربوطه بازجویی ، اوسیبیان ، 2007، ص. 147-146

(16) برای دیدن متن کامل نگاه کنید به اوسیبیان، 2007، ص. 81-85. اتهامات مشابهی که در 31 اکتبر 1944 برای حکم دستگیری شده ، نگاه کنید به، اوسیبیان، 2007، ص. 94-95

(17) برای دیدن بخش مربوطه متن بازجویی نگاه کنید به اوسیبیان، 2007، ص. 24

(18) برای دیدن تمامی متن نگاه کنید به، اوسپیان، 2007، ص. 131-128

(19) جبهه شوروی جنگ جهانی دوم

(20) نگاه کنید به نظر ماکسیم گوئین محقق فرانسوی درباره همکاری "درو" با سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا). درو در پایان جنگ از طرف آمریکایی ها دستگیر، ولی علی رغم خواست شوروی از تحویل وی خود داری می کند. گوئین می گوید که اسناد سیا نشان می دهد که درو در اوایل 1945 تا روز مرگ اش برای "سازمان اطلاعات نظامی" آمریکا کار می کرده است. و بعد از تاسیس سیا نیز برای سیا کار می کرده است. نگاه کنید به M.Gauin، 2014،

(21) در اصل، سند به این شکل است.

(22) برای دیدن بخش مربوطه نامه ای که به استالین انتقال نیافته است نگاه کنید به، اوسپیان، 2009، ص. 103

(23) اوسپیان، 2009، صفحات 199-177-146-153، آرشیو KGB ارمنستان شوروی، پرونده 5232، جلد 4 پاکت شماره 2، نقل از ج. ب. آبرامیان، صفحات 140-141

(24) اعتراف آ. ک. آساتوریان از همکاران نزدیک نیزده، برای دیدن بخش مربوطه نگاه کنید به اوسپیان، 2009، ص. 235

(25) برای دیدن متن بازجویی 22 مارس 1947 نیزده و نامه ای که نیزده از زندان برای صدر شورای اتحاد جماهیر شوروی ک. ی. وروشیلوف فرستاده (26 فوریه 1954) نگاه کنید به اوسپیان، 2009، صفحات 174-176-199

(26) عنصر صادق نسبت به مسئول Abwehr در استامبول سروان Paul Leverkühn یعنی "کوخ" (Koch) و به گفته عده ای، "ماتاهاری" جنگ دوم، در شهر حلب سوریه بزرگ شد. در جنگ جهانی اول بعنوان پرستار در ارتش آلمان خدمت کرد، در سال های بعد در برزیل و اندونزی زندگی کرد. او در چارچوب فعالیت های Abwehr به خاورمیانه آمد و آشنایی های خود با خانواده های معروف عرب را بشکل موثری بکار گرفت. نگاه کنید به "رابین" 2007، ص. 73

(27) برای دیدن بازجویی های نیزده بین 12-18 اکتبر 1944 نگاه کنید به اوسپیان، صفحات 162 - 144 - 143

#### منابع / رفرنس:

"Dro". (1991). Entsiklopediya "Armyanskiy Vopros", Yerevan: Glavnaya Redaktsiya Armyanskoy Entsiklopediya.

Abramyan, E. (2006). Kavkaztsı v Abwehre, Moskva: İzdatel Bistrov.

Abramyan, G. B. (1991). "İz Tyuremniñ Zapisok Garegina Njde", Vestnik Obşestvenniñ Nauk AN ArmSSR, No. 5.

Archives Du Ministère Des Affaires Étrangères, La Courneuve, Microfilm P 16676.18

Aya, Ş.S. (2009). Soykırım Tacirleri ve Gerçekler, İstanbul: Derin Yayınları.

Baturin, Y. (2005). Dosye Razvedçika, Moskva: Molodaya Gvardiya.

Brock, R. (1941). "Armenians in Iran Inflamed By Nazis", The New York Times, 24 Temmuz 1941.

Carlson, J. R. (1943). Under Cover: My Four Years in the Nazi Underworld of America, 7. Basım, New York: E. P. Dutton&Co., Inc., Ağustos 1943.

Chalabian, A. (2009). DRO (Drastamat Kanayan): Armenia's First Defense Minister of the Modern Era, Los Angeles: Indo-European Publishing.

Cornell Law Library Donovan Nuremberg Trials Collection, Office of Strategic Services Research and Analysis Branch, Principal Nazi Organizations Involved in the Commission of War Crimes, The Nazi Party (Part IV), Vol LXXXVII Section 62.04 (R&A 3113.7, pt. IV).

Çuyev, S. (2004). *Proklyatie Soldatı: Predateli Na Storone III Reyha*, Moskva: Eksmo.

Drambyan, T. S. (1966). "İz İstorii Antifaşistkoy Borbı Komunistov-Armyan Vo Frantsii", *Vestnik Obşestvennih Nauk AN ArmSSR*, No. 5.

Gain, M. (2014). "The Turkish-Armenian Dispute: Who Has Something To Hide?", *Daily Sabah*, 14 Ekim 2014.

Glantz, D. M. (2003). "Battle of Stalingrad", *Encyclopedia of Russian History*, Haz. James R. Millar, New York: Macmillan Reference USA.

Gorgas, J. T. (2007). *Le Mouvement Kurde de Turquie en Exil: Continuités et Discontinuités du Nationalisme Kurde Sous le Mandat Français en Syrie et au Liban (1925-1946)*, Berne: Peter Lang.

Lalayan, A. A. (2006). *Taşnak Partisi'nin Karşıdevrimci Rolü (1914-1923)*, 3. Basım, İstanbul: Kaynak Yayınları, Mart 2006.

Lalayan, M. (2004). *Garegin Njde i Yego Uçenie*, Yerevan: Respublikanskaya Partiya Armenii.

Mamoulia, G. (2007). "L'histoire Du Groupe Caucase (1934-1939)", *Cahiers Du Monde Russe*, No. 48/1.

Mamulia, G. G. (2011). *Gruzinskiy Legion Vermahta*, Moskva: Veçe.

Martirosyan, R. A. (1987). *Antinarodnaya Dyatelnost Partii Daşnaktsutyun v Godı Vtoroy Mirovoy Voynı*, Yerevan: İzdatelstvo "Ayastan".

Melikyan, V. "Natsionalnoe Byuro", *Entsiklopediya "Armyanskiy Vopros"*.

Ovsepyan, V. (2007). *Garegin Njde i KGB: Vospominaniya Razvedçika*, Yerevan: NOF "Norabank".

Perinçek, M. (2014). "Grigori Artsruni ve Ermeni Milliyetçiliğinin İrkçi-İşbirlikçi Kökleri", *Tarihte Türkler ve Ermeniler: Ermeni Meselesinin Ortaya Çıkışı, Kilise ve Milliyetçilik*, Cilt 9, Ankara: Türk Tarih Kurumu Yayınları.

Perinçek, M. (2011). *Sovyet Devlet Kaynaklarında Kürt İsyancıları*, İstanbul: Kaynak Yayınları, Kasım 2011.

156 *Tesam Akademi Dergisi / Turkish Journal of Tesam Academy*

Rubin, B. (2007). *İstanbul Entrikaları*, 3. Basım, İstanbul: Doğan Kitap, Ağustos.

Sardaryan, K. (1991). "Njde", *Entsiklopediya "Armyanskiy Vopros"*, Yerevan: Glavnaya Redaktsiya Armyanskoy Entsiklopediya.

Shirer, W. (1970). *Nazi İmparatorluğu: Doğuşu, Yükselişi ve Çöküşü*, 2. Basım, İstanbul: Ağaoğlu Yayınevi, Mart.

*Sovyetskaya Armeniya v Godı Velikoy Oteçestvennoy Voynı (1941-1945)*. (1975). Yerevan: İzdatelstvo Akademii Nauk Armyanskoy SSR.

Valentinoviç, O. R. (2009). Nemetskaya Okupatsionnaya Politika Na Territorii Krıma i Natsionalny Vopros (1941-1945), Simferopol: Antikva.

Vartanyan, S. A. (1954). Pobeda Sovyetskoy Vlasti v Armenii (1917-1920 gg.), Yerevan: Akademiya Nauk Armyanskoy SSR İstitut İstorii.

Walker, C. J. (1990). Armenia: The Survival of a Nation, 2. Basım, London: Routledge.

Weems, S. A. (2002). Secrets of a "Christian" Terrorist State, Dallas: St. John Press.

Yampolskiy, V. (2008). "Uniçtojit Rossiyu Vesnoy 1941 g." (A. Gitler, 31 İyulya 1940 goda): Dokumentı Spetsslujb SSSR i Germanii. 1937-1945 gg., Moskva: Kuçkovo Pole.

لینک اصل مقاله به انگلیسی و ترجمه ترکی آن

***Turkish - Russian academics. A historical study on the Caucasus.***

<https://www.abebooks.com/servlet/BookDetailsPL?bi=22467523980>

<https://dergipark.org.tr/tr/download/article-file/138001>